



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۰۵/۲۴



عارف عباسی

آیا تا ابد چنین زیست، و در برابر هر جبر و ظمی زانو زد و سر تسلیم فرو آورد؟



مرگ به حیث واقعیت قبول شده فنا و نابودی و ختم حیات است که چاره ندارد. ولی در عالم اسباب هر دردی را مداوا و برای هر مصیبتی چاره جویی، هر غمی را شادی و هر شبی را سحر، هر تاریکی را روشنی و هر فاجعه را پایانی در قبال است. اشرف المخلوقات بودن بشر در ساختار جسمانی و سر دوپا راه رفتن او نیست، بلکه قوه تعقل و نیروی اندیشه، او را از چنین امتیازی برخوردار ساخته. انسان در تغییر وضع و بهبود حال فاعل بالمختار است که اگر اراده خود را بر پایه های تعقل، خرد و تدبیر بنا نماید.

(آیه متبرکه کتاب الهی که اگر تو خود حالت تغییر ندهی...)

ربط دادن این حال ابتر و پریشان وطنی به نام افغانستان را به قسمت و تقدیر و یا حک شدن آن در لوح محفوظ مظهر جهالت و نابخردی ما است. ورنه عوامل ایجاد این حال بکلی آشکار است، که در خلقت آن تا حد زیاد ما خود مسؤول و عامل بوده ایم و یا تحمیل شرائطی که بالاتر از ما بوده. به هر حال این حکم قوه قهار مافوق الطبیعه نیست که ما تا ابد در آتشی خود فروخته و یا دیگران فروخته و ما هیزم انداخته ایم بسوزیم.

من را ختم و پایان فاجعه کنونی وطن را در محو دو عامل باور است که اگر واقعاً موفقیت در از بین بردن هر دو نصیب گردد.

- عامل اساسی و بنیادی موفقیت عملی و واقعی در استقرار صلح و پایان جنگ است. صلح عادلانه، پایدار، صادقانه، صلحی که بصورت عملی متضمن تحقق بخشیدن آرمان های ملت افغانستان بوده و حقوق مدنی همه اتباع افغانستان به شمول اطفال، زنان و مردان افغانستان تأمین گردد.

توقع می رود و لو که جنگنده های طالب در پاکستان تولد، در مدرسه های آن تدریس و در آن کشور اقامت داشته اند حد اقل خون افغانیت در رگ های شان جریان دارد رهبران شان باید بالاخره این حقیقت را درک کنند که در این جنگ که به جز تباهی خود شان و ریختن خون خواهر و برادر و ویرانی وطن اصلی شان بُردی نیست و اگر درایت و فهم آن پیدا شود که این جنگ مطابق طرح متخاصمانه اجنبی برای بهره برداری های سیاسی اش به قیمت خون طالب و مردم بی گناه افغانستان به راه انداخته شده. باید از این فرصت استفاده نموده برای عودت به آغوش مأوای اصلی و آرامگاه نیاکان خود اسلحه را به زمین مانده و از صدق دل و ایمان داری آغوش صلح را بکشایند و خود را بیشتر بازپچه خواسته های شوم دشمن نسازند ..

با تحلیل جریان مذاکرات فعلی صلح تا این مرحله نمی توان به نتایج به امیدواری نگریست و صلح تا حال در سطح یک آرزومندی باقی مانده. ولی پا در میانی یک قدرت نظامی و اقتصادی جهان در قضیه شاید نتایج مثبتی را بار آورد.

• عامل دوم که تأثیرات شوم و ناگوار آن در ایجاد مصیبت و بدبختی های افغانستان کم تر از جنگ نبوده و حتی بالاتر و تهلکه بار تر است، در سال ۱۹۹۲ به شکل «بخار» در بدن افغانستان پیدا و در سال ۲۰۰۱ به زخم ناسور و حالا به دانه سرطانی خطرناک و سریع الانتشار تبدیل شده، که جریان خون، جهاز تنفسی، قوه تعقل و توان راه رفتن و تصمیم گرفتن را از بدن جامعه سلب کرده و متدرجاً این وطن را به گورستان نابودی می سپارد.

افسانه های جنایات این گروه را حتی مداحان سه دکان چنداول قندی آغا و آغای بلبل می سرابند چه رسد به رسانه های صوتی، تصویری و انترنتی.

موجودیت این مافیای سیاسی و اقتصادی راه صلح یابی را هم مسدود گردانیده و آن را در انحصار قدرت خود قرار داده بازیچه خواسته های استمرار قدرت خود ساخته اند.

تا حال من از یک نتیجه نسبی مثبت صلح بکلی نا امید نیستم.

ولی در یافتن راه در هم شکستن زنجیر اسارت این جنایت کاران به گفته هموطنان هزاره ام «عقلم قد نمونه».

- محاکمه و مواخذه قتل های عام چپاول گری و ظلم و استبداد خیال پردازی بیش نیست.
- ایجاد یک قوه ضربه مخفی و طرح محو این ها در یک نظام دموکراتیک نا ممکن است .
- خیزش، جهش و قیام در جامعه محتاج، گرسنه، ستم دیده، مریض و علیل افغانستان با ۶۵ فیصد مریض روانی و یک ملیون و شش صد هزار معتاد مواد مخدره از بیوه زن گدا نان روغنی طلبیدن است.
- اگر چاره دیگر نماند، به عذر و زاری به ایشان مقامات اعزازی چون بزرگان قوم ویا رؤسای بالابین شورا های ولایتی و یا سفیر ساختن شان در ممالک افریقایی و بعضی ممالک اسلامی گماشته شوند که اگر از سر طاس این ملت دست بردارند.

اما در موجودیت و تداوم نفوذ و قدرت این حلقات که شکل ارثی را گرفته، و زمام دار جبون، بی شهامت و سازش گری خلاف عنعنات مملکت «لنگوته» مارشال متوفی را بر سر پسرش ماند، امید تغییر حال و بهبود وضع مملکت روایی بیش نیست.

من با نهایت اطمینان می گویم که با استقرار امنیت و کوتاه ساختن دست این مافیای خون، آتش و ثروت افغانستان با تمام ظرفیت ها و امکانات و غنایم سرشار طبیعت دیگر غریب، محتاج و دست نگر باقی نخواهد ماند بلکه به حیث یک کشور غنی و متمول در منطقه تبارز خواهد کرد.

عجالتاً به منظور جلوگیری از طوالت کلام و سر گیچی در این ماه مبارک، طول و تفصیل امکانات و ظرفیت های اقتصادی افغانستان را در مضمون دیگری به بحث خواهیم گرفت.



تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نپشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده معزز را مطالعه کنند، می توانند با "کلیدی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف" شان رهنمایی شوند.

آیا تا ابد چنین زیست و در برابر هر جبر و ظلمی تسلیم شد؟
a_abasi_ayaa_taa_abad_tshonin_zist.pdf